جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

نگاهی به تجربیات جهانی

شوخی درجه‌بندی سنی در سینما!

مسیح عرفان

مصرف رسانه‌ای همچون مصرف خوراکی نیازمند مهر استاندارد است. همان‌طور که حکومت‌ها نمی‌گذارند سلامت بدن مردم آسیب ببیند، جهت حفظ سلامت روح و روان مردمشان نیز قواعد و قوانینی را می‌چینند و برای محصولات فرهنگی و رسانه‌ای استانداردهایی تعریف می‌کنند.

در این مقاله می‌خواهیم به مهم‌ترین نظام استانداردسازی محصولات فرهنگ عمومی، یعنی رده‌بندی سنی و سانسور درهالیوود بپردازیم. پیش از آن ابتدا به مسئله محدودسازی رسانه‌ها در کشورهای مختلف وارد شده و پس از آن با بررسی اجمالی تاریخچه سانسور در سینمای‌هالیوود، به ارزیابی نظام رده‌بندی سنی خواهیم پرداخت. سعی کرده‌ایم خطوط کلی را بیان کنیم و به شکلی خلاصه مهم‌ترین مطالب را عرضه کنیم.

سانسور و فیلترینگ، از آمریکا تا کی پاپ!

در آمریکا قوانین مختلف ایالتی و فدرال وجود دارد که باعث محدود شدن سایت‌ها و خاموش شدن کامل آن می‌شود. به عنوان مثال ویکی لیکس (Wiki leaks) مگا آپلود (Mega Upload) و سایت‌های متعدد دیگری را به دلیل نقض قوانین آمریکا کاملاً از دسترس خارج کرده است.[1]

علاوه بر حذف سایت‌های غیر قانونی، قوانین متعددی وجود دارد که دسترسی افراد مختلف به سایت‌های خاص را محدود می‌کند. برای نمونه قانونی ایالتی، کتاب‌خانه‌ها و مدارس را مجبور می‌کند تا دسترسی کامپیوترهای مرکز به محتوای جنسی صریح یا مسائل آسیب‌زننده دیگر را محدود سازند.

محدودیت قانونی اینترنت در آمریکا به حدی است که جدیداً قانونی مبنی بر احراز سن برای کسانی که به سایت‌های پورنوگرافی سر می‌زنند اجباری شده است. فرد پس از ورود به سایت مستهجن بایستی با تصویر سن خود را احراز کند که زیر ۱۸ سال نباشد و بعد وارد شود! این نکته علاوه بر سانسور پورنوگرافیِ پدوفیلی و بعضی فسادهای دیگر است که حتی سایت‌های پورنو نیز اجازه بارگذاری آن را ندارند و اگر بارگزاری کنند طبق قانون سایت بسته خواهند شد.[2]

بنابراین به صورت کلی می‌بینیم که در آمریکا به عنوان کشوری که بند اول اساس‌نامه تشکیل کشورش آزادی بیان است، مطابق با قانون محدودیت‌هایی در اینترنت صورت داده و از دسترسی مخاطب تا انتشار محتوا توسط سایت‌ها را بر اساس قوانین فدرال و ایالتی کنترل می‌کند.

آمریکا یک نمونه است و تمام کشورهای بزرگ و پیشرفته جهان طبق قانون در حال تنظیم‌گری محتوای رسانه‌ای برای مردمشان هستند. به عنوان نمونه تلویزیون‌های رسمی کره جنوبی بعضی از ویدیو کلیپ‌های مشهور کی پاپ را ممنوع کرده است! به عنوان مثال کلیپ این عشق را بکش از بلک پینک، جنتلمن از psy و اینستاگرام از Dean جزو آثاری هستند که به دلیل ترویج بی‌قانونی (از کمربند نبستن تا حمله به محیط شهر) در تلویزیون‌های رسمی کره ممنوع شده‌اند.[3] همچنین استفاده از الفاظ توهین‌آمیز، خشونت‌بار و یا رقص‌های جنسی رکیک می‌تواند باعث محدودیت پخش ویدیو کلیپ موسیقی از بعضی بسترهای تلویزیونی در کره جنوبی باشد. بخشی از آثار بی‌تی‌اس به همین دلایل از شبکه KBS مجوز پخش نگرفتند.[4] چین و روسیه نیز به عنوان کشورهای بزرگ و به اصطلاح ابرقدرت‌های جهان قوانین مهمی برای سانسور و محدودیت آثار هنری-رسانه‌ای دارند.[5]

مطالبی که در سطور پیشین ارائه شد برای اهل تحقیق بدیهی بوده و یکی از ابعاد حکمرانی فرهنگ است. هیچ عاقلی فرهنگش را به دشمنانش واگذار نمی‌کند و حتماً قوانینی بر پایه تفکرات تمدنش می‌چیند تا رقبا یا دشمنان نتوانند مردم او را مورد حملات شناختی و رسانه‌ای قرار دهند. اما متأسفانه به دلیل بی‌سوادی یا آلودگی امنیتی بعضی افراد، گاهی حقایقی بدیهی نیز قابل تشخیص نبوده و پروپاگاندای سیاسیون و احزاب جای شناخت حقیقی را می‌گیرد.

در دورانی که اکثر کشورهای آنگلوساکسون ورود نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی را محدود کردند، بعضی از مسئولان در کشورهای مدعی اسلام به دلیل عقب‌افتادگی فرهنگی و غرب‌زدگی مفرط، به ولنگاری و بی‌صاحب بودن سایبر اسپیس افتخار می‌کنند! بله نخبگان می‌توانند قوانین را طوری تغییر دهند که محدودیت‌ها کم یا زیاد شود، اما اینکه می‌بینیم سیاسیونِ پوپولیست با وعده‌های سر خرمن رفع فیلترِ و... آرایشان جابه‌جا می‌شود، یعنی عده‌ای با هرج و مرج رسانه‌ای در حال کسب سودهای کلان هستند که حقیقتاً امری تاریک و شیطانی است. البته لبه دیگر این قیچی برخوردهای افراطی مثل ممنوعیت و فیلترینگ بازی‌های ایرانی در دوره قبلی مدیریت بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای بود که به اندازه ولنگاری و بی‌قانونی و شاید بیش از آن به فرهنگ کشور ضربه زد.

پس از اینکه دیدیم به صورت کلی محدودیت و سانسور در کشورهای مختلف بر اساس قوانین و نه سلیقه وجود دارد، وارد بحث رده‌بندی سنی و تاریخچه آن در آمریکا خواهیم شد.

تاریخ سانسور درهالیوود

تاریخ سانسور در فیلم‌های آمریکایی نشان می‌دهد در ابتدای تأسیس سینما در آمریکا حساسیت مسیحیان و مردم بر مسائل اخلاقی و دینی در فیلم‌ها بسیار بیشتر بود و هر چه جلوتر آمدیم از مسائل غیر اخلاقی و توهین به دین مسیحیت در سینما حساسیت‌زدایی صورت گرفت.[6]

اگر بخواهیم به مهم‌ترین قانون سانسور ساختار تنظیم‌گر در سینما پیش از نظام جاری رده‌بندی سنی اشاره کنیم، باید به سراغ کد هِیز (Hays Code) برویم. هیز نام رئیس اداره سانسور درهالیوود بود و نام وی به عنوان مدیر بر روی این قوانین نیز درج شد. در دایره‌المعارف بریتانیکا آمده است:

«قانون هِیز (Hays Code)، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها بود که استودیوهای هالیوود به‌طور خودخواسته اجرا می‌کردند و محتوای اخلاقی فیلم‌های تولیدشده از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۶۸ را تنظیم می‌کرد. قانون هیز استفاده از ناسزا، وقاحت و توهین‌های نژادی را ممنوع می‌کرد و شامل دستورالعمل‌های جزئی بود که نحوه به‌تصویرکشیدن موضوعات خاص را بر روی پرده مشخص می‌ساخت، به‌ویژه خشونت تصویری، فعالیت‌های مجرمانه، مصرف مواد مخدر، بی‌بندوباری، ازدواج بین‌نژادی و همجنس‌گرایی را منع می‌کرد. این قانون در سال ۱۹۶۸ با نظام رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی جایگزین شد که امروزه نیز همچنان به کار می‌رود.»

همان‌طور که می‌بینید در چند دهه پیش از این، سینمای آمریکا نیز محدودیت‌های وسیعی در سینما را می‌پذیرفت و البته خود کمپانی‌ها طبق قانون هیز فیلم می‌ساختند. هالیوود و مغول‌های یهودی در آن همیشه مدعی بودند که سینما سرگرمی است و به دنبال انتقال پیام نیست. اما نشریات معتبری مثل Variety یا نخبگانی همچون هنری فورد در کتاب یهود بین‌الملل تأکید داشتند که هالیوود در حال تغییر باورها و رفتارها و مشغول نوعی مهندسی فرهنگی است.[7] پس طبیعی است که نیاز به پایش محتوایی داشته باشد. قانون هیز ترکیبی از قوانینی بود که دغدغه‌مندان مسیحی ارائه داده بودند و بعضی ضوابط دیگر. البته کمپانی‌های یهودی هالیوود ابتدا شرایط مسیحیان را نپذیرفتند، اما پس از فشارهای مکرر مسیحیان و تهیه لیست فیلم‌های غیراخلاقی و معرفی آن به مردم، به حدی به کمپانی‌های هالیوود ضربه اقتصادی زد که از رکود بزرگ تا آن روز بی‌سابقه بود. پس از اینکه مسیحیان به نوعی هالیوود را تحریم کردند، کمپانی‌ها مجبور شدند کد هیز را که بر اساس شرایط مسیحیان بود بپذیرند زیرا درآمدشان به دلیل ریزش مخاطب در حال نابودی بود. دغدغه اصلی کد هیز رواج ندادن تفکرات انحرافی و بی‌اخلاقی در سینما بود تا مخاطب با شروران و انسان‌های تبهکار همذات‌پنداری پیدا نکند. برهنگی، مسائل جنسی صریح، خیانت، رقص‌های جنسی و این سنخ مسائل مورد نهی قوانین مربوطه بود و باعث رد شدن آثار می‌شد.

پس از جنگ جهانی دوم دولت آمریکا با تصویب یک قانون اجرای کد هیز را تضعیف کرد و در ۱۹۵۶ کد هیز اصلاح و کوتاه‌تر شد. این مسائل و البته تحولات فرهنگی عمیق ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم باعث شد فیلم «بعضی‌ها داغش را دوست دارند» (Some like it hot) از بیلی وایلدر حدود چهل میلیون دلار بفروشد، در حالی که کد هیز را احراز نکرده بود![8]

با تضعیف کد هیز، رواج ادیان جدید کابالیستی و شروع انقلاب جنسی در آمریکا، در سال ۱۹۶۸ اداره رتبه‌بندی و رده‌بندی (CARA) که وظیفه رتبه‌بندی و رده‌بندی سنی فیلم‌های بزرگ را دارد، جایگزین کد هیز شد.

رده‌بندی سنی و قواعد پایه در آمریکا

گفتیم که در سال ۱۹۶۸ رده‌بندی سنی جایگزین اخلاقیات مسیحی و بومی مردم آمریکا شد. به صورت کلی رده‌بندی سنی فیلم‌های در چهار سطح بود:

جی(G): پیشنهادشده برای تمام مخاطبان، برای فیلم‌هایی که تعریف آن‌ها «قابل‌قبول برای تمام سنین، بدون در نظر گرفتن سن» است.

ام(M): پیشنهادشده برای مخاطبان بالغ، به معنای بزرگسالان و جوانان بالغ، برای فیلم‌هایی که به دلیل درون‌مایه، محتوا و نحوه پرداخت خود ممکن است نیازمند قضاوت پخته‌تر از سوی بینندگان باشند و والدین باید درباره آن‌ها احتیاط کنند.

آر(R): محدود- افراد زیر ۱۶ سال پذیرش نمی‌شوند، مگر با همراهی والدین یا قیم بزرگسال.

ایکس (X): افراد زیر ۱۶ سال پذیرش نمی‌شوند، برای فیلم‌هایی که «به دلیل نحوه پرداخت مسائل جنسی، خشونت، جرم، یا ناسزاگویی [در این رده قرار می‌گیرند]. فیلم‌های دارای رده X واجد شرایط دریافت مُهر تأیید کد [هیز] نیستند.»[9]

همچنین عبارت PG به معنای اینکه راهنمایی والدین لازم است از عبارات شایع است که گاهی با اعداد نیز همراه می‌شود. عبارت PG به تنهائی یعنی والدین در پخش این اثر برای کودک و نوجوان احتیاط کنند و PG ۱۳ یعنی زیر ۱۳ سال نبینند و بالای سیزده سال (تا ۱۸ سال که بالغ به حساب می‌آید) با راهنمایی والدین ببینند.

در این سیستم جدید تنظیمگری و کنترل به خانواده‌ها سپرده شد و انتشار فیلم‌ها از طرف دولت دیگر محدود نمی‌شد مگر در موارد بسیار خاص مثل پدوفیلی که هنوز هم غیرقانونی و عملی مجرمانه شناخته می‌شود. البته فیلم‌ها برای پخش در سالن‌ها حتماً باید رده‌بندی سنی دریافت کنند.

این سیستم چند اشکال عمده دارد. اول اینکه اگر دولت قرار است تنظیم‌گری را به خود مردم بسپارد، پس چرا فروش مواد مخدر را آزاد نمی‌کند تا مردم خودشان تصمیم بگیرند مصرف کنند یا نکنند؟ یا چرا آثار پدوفیلی را محدود می‌کند؟ می‌توانند آن را هم رده‌بندی سنی بزنند! این سیاست لیبرال در آمریکا با هدف عادی‌سازی انحرافات اخلاقی مثل فحشا، برهنگی و همجنس‌بازی شکل گرفت و جدا کردن این انحرافات از دیگر انحرافات شکل گرفت و هیچ منطقی پشت آن نیست. اساساً آمریکا پس از جنگ جهانی با ترویج انگاره‌های یهودی در سطوح عالی حاکمیتی، نوعی نسبی‌گرایی اخلاقی را رواج می‌دهد و همین تفکر را در هالیوود و مصرف رسانه‌ای مردم نیز وارد کرد.

اشکال دوم این است که خانواده‌ها در زندگی مدرن اکثراً مشغولیت‌های خود را دارند و اساساً نمی‌توانند مدیریت خوبی بر کودکان داشته باشند. با ظهور ابزارهای شخصی مثل موبایل و تبلت نیز مدیریت کودکان سخت‌تر از گذشته شده است و دولت با سپردن تنظیمگری به خانواده‌ها، در واقع درب فساد را بر روی کودکان باز کرد و در عین حال به خانواده‌ها توصیه کرد که جلوی فاسد شدن کودکانتان را بگیرید، به من ربطی ندارد!

اشکال سوم این است که مطالب فلسفی و فکری در رده‌بندی سنی لحاظ نمی‌شود. به عنوان مثال انیمیشن موآنا که در ترویج جهان‌بینی پاگانیستی و مشرکانه ساخته شده است، در سایت کامن سنس مدیا رده‌بندی سنی ۶ سال را گرفته است. زیرا ملاک طبقه‌بندی سنی برهنگی کامل، مسائل جنسی، خشونت شدید و مصرف الکل و مواد و... است و اساساً مباحث فلسفی در آن جایگاهی ندارد.[10]

لازم به ذکر است که مواردی مثل برهنگی نیز با عرف آمریکا سنجیده شده و به همین دلیل موآنای نیمه برهنه از منظر این سایت‌ها مشکلی به حساب نمی‌آید.

اشکال چهارم نیز این است که در منطق الهی، اساساً چگونه می‌توان پذیرفت که یک فیلم مستهجن را نوجوان ۱۷ ساله نمی‌تواند ببیند، اما ۱۸ ساله می‌تواند؟ در این یک سال چه اتفاق ویژه‌ای افتاده است، آیا پورنوگرافی تأثیرش را از دست می‌دهد یا صحنه‌های جنسی یک سال بعد دیگر ضرر ندارند؟! دولت‌های لیبرال به دلیل اینکه از طرفی به دلیل اباحه‌گری و اومانیسم می‌خواهند فساد را گسترش بدهند و از جهتی هم نمی‌خواهند به ترویج سیستماتیک فساد متهم شوند، قوانین بی‌معنا و من درآوردی را تصویب می‌کنند تا هم به هدفشان برسند و هم دغدغه‌مندان را خاموش سازند. البته مسیحیان زیادی در آمریکا به ترویج شرک، بی‌اخلاقی و مفاهیم ضد مسیحی در آمریکا اعتراض کرده و می‌کنند. اما به هر حال در نهایت در مبارزه بین اخلاق مداران مسیحی با اباحه‌گران یهودی در هالیوود، هالیوود پیروز شد و رده‌بندی سنی جای قواعد الهی مسیحی را گرفت.

امروزه سایت‌هایی مثل آی‌ام‌دی‌بی (imdb) یا کامن سنس مدیا (Common Sense Media) به عنوان سیستم ارائه رده‌بندی سنی و راهنمای والدین و دیگر مخاطبان سینما همین رسالت را بر دوش دارند.

کدومو و رده‌بندی سنی در ایران

دیدیم که رده‌بندی سنی به عنوان جایگزینی سکولار و لیبرال برای کد هیز و قواعد مسیحی موجود در آن به‌وجود آمد. جالب توجه است که سایت‌های بودجه‌دار و حکومتی مثل کدومو با تقلید ناقص از سایت کامن سنس که پیش از این به آن اشاره کردیم، متأسفانه همان سیستم رده‌بندی سنی را با تغییراتی محدود به داخل ایران آورده است. این سایت پر مخاطب آثار مستهجنی مثل سریال لوسیفر را که به گفته خودش در ترویج فساد و فحشا و خرافات شیطان‌پرستانه تمام تلاشش را کرده است، به سنین بالای هفده سال معرفی کرده است! یعنی کدومو معتقد است اگر یک جوان هجده ساله فیلمی شیطان‌پرستانه را ببیند موردی ندارد و حتی نکات محتوایی مثبتی نیز به او منتقل می‌شود! چرا؟ چون اساساً هویت مستقلی مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی ندارد و گرته‌برداری ناقصی از کامن سنس مدیای غربی است. جالب توجه است که تنها یک مطلب از سایت کدومو (ارزیابی سریال لوسیفر) بیش از دویست هزار بازدید داشته است.

همچنین قابل ذکر است که به تقلید از Esrb، یک نظام رده‌بندی سنی به نام Esra یا اِسرا شکل گرفته است که جز تغییر حرف بی به ای، تفاوت خاصی با همان نظام رده‌بندی غربی ندارد. به عنوان مثال سایت چه بازی وابسته به بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای (که خودش وابسته به وزارت ارشاد است) همان سیستم رده‌بندی را آورده و بازی‌های غیر اخلاقی را ۱۸+ یا حتی بدون رده‌بندی ذکر کرده است![11]

متأسفانه در هیچ کدام از سایت‌ها و مراکز ارزیابی فیلم، بازی و انیمیشن در ایران که اکثراً هم وابسته به حکومت هستند نگاه فلسفی دیده نمی‌شود و ارزیابی آثار صرفاً بر اساس همان معیارهای غربی سکسوالیته و خشونت و... انجام می‌شود.

این در حالی است که توقع ما از نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی پیاده کردن جمهوریت و اسلامیت است و نه تقلید از غرب یا ترجمه صرف مطالب آنان. ما به سایت‌های از اساس سکولار مثل زومجی و ویجیاتو و... نپرداختیم زیرا خصوصی هستند و ابتدا از مراکز حکومتی توقع میرود که خود را اصلاح کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله دیدیم که اولاً سانسور در همه کشورهای پیشرفته جهان بر اساس قوانینشان وجود دارد. همچنین دیدیم که هالیوود و سیستم فرهنگی یهودیان در آمریکا که امروزه از ترویج هیچ فسادی فروگذار نمی‌کند، در یک روند چند ده ساله مسیحیان را شکست داد و با سوءاستفاده از تمنّیات نفسانی انسان‌ها، توانست بی‌اخلاقی را بر روی پرده سینما نمایش دهد. البته امروز می‌بینیم که به دلیل رگه‌های اخلاق فطری در مردم، اکثر آثاری که رده‌بندی سنی ایکس یا آر دریافت می‌کنند در گیشه موفقیت آن چنانی ندارند و به همین دلیل بسیاری از فیلمسازان تلاش می‌کنند رده‌بندی سنی بالایی دریافت نکنند. البته ما در این مقاله به دلیل رعایت اختصار مصادیق بسیار کمی را ذکر کردیم و اهل تحقیق را به بررسی موارد جزئی‌تر اعم از قوانین و نظام سانسور در کشورهای مختلف دعوت می‌کنیم.

اما اساساً در ایران نظام رده‌بندی سنی در فیلم‌ها شوخی تلخی است که صرفاً باعث استخدام دوستان عزیز در مراکز بودجه‌دار شده و در فضای فرهنگ کشور جریان خاصی پیدا نکرده است. عموم مردم ایران هر فیلم و انیمیشن و کمیک و انیمه و بازی را مصرف می‌کنند و توجهی به رده‌بندی سنی آن ندارند. وضعیت به حدی بغرنج است که یک نوجوان می‌تواند به راحتی در روبیکا (تلگرام و... بماند) فیلم‌های بالاتر از سن خودش را ببیند و نه دولت به فکر مدیریت این فضاست و نه حتی مثل غرب به مردمش یاد داده است که کودکان را کنترل کنند.

نیاز فوری است که مبتنی بر نگاه ایرانی- اسلامی الگوی مصرف رسانه‌ای مردم مشخص شود. تقلید از غرب یا رفتارهای سلیقه‌ای مدیران بی‌سواد و افراطی، فقط باعث تشدید بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و امنیتی می‌شود.

تا امروز این ولنگاری فرهنگی منجر به هرج و مرج فرهنگی شده و اگر ما در سطح خانواده خودمان و حاکمیت در سطح کشور به فکر نباشد، احتمالاً در سطح خرد و کلان فجایعی عمیق‌تر از آنچه در جامعه آمریکا می‌بینیم را به‌زودی شاهد خواهیم بود.

منابع:

1.https://en.wikipedia.org/wiki/Internet_censorship_in_the_United_States
2.https://www.superlawyers.com/resources/internet/age-verification-laws-accessing-adult-content
3.https://www.vice.com/en/article/k-pop-music-videos-banned-korea-tv-blackpink-psy-top/
4.https://www.allkpop.com/article/2016/05/six-of-btss-new-songs-deemed-unfit-for-broadcast
۵. مراجعه فرمایید به:
Censorship in Chinese Cinema
Authors, Mary Lynne Calkins
https://monitoring.bbc.co.uk/product/b0004ab0
6.https://ncac.org/resource/a-brief-history-of-film-censorship
7.Hollywood's censor: Joseph I. Breen and the Production Code, 2007, P154
8.https://www.britannica.com/art/Hays-Code
9.Hollywood's censor: Joseph I. Breen and the Production Code, 2007,p334
10.https://www.commonsensemedia.org/movie-reviews/moana
11.https://chebazi.ircg.ir/

تصویری از نبرد فرشتگان برای نجات مسیحیان از اختاپوس فیلم‌سازی یهودیان مغول و خارجی در آمریکا که در نهایت توانست مردم مسیحی را شکست دهد!

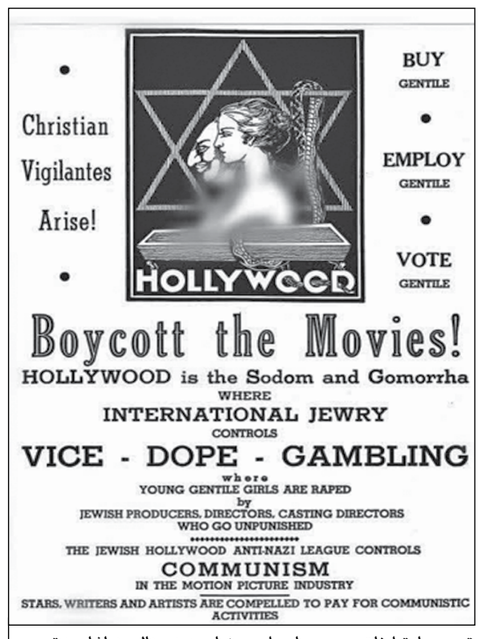

تصویری از تبلیغات مسیحیان علیه سینمای یهودی هالیوود، اشاره به ترویج فحشا در آن توسط یهودیان و تشبیه هالیوود به سدوم و گومورا دو شهر فاسد زمان حضرت لوط. مسیحیان آمریکا درخواست تحریم سینمای هالیوود را داشتند.

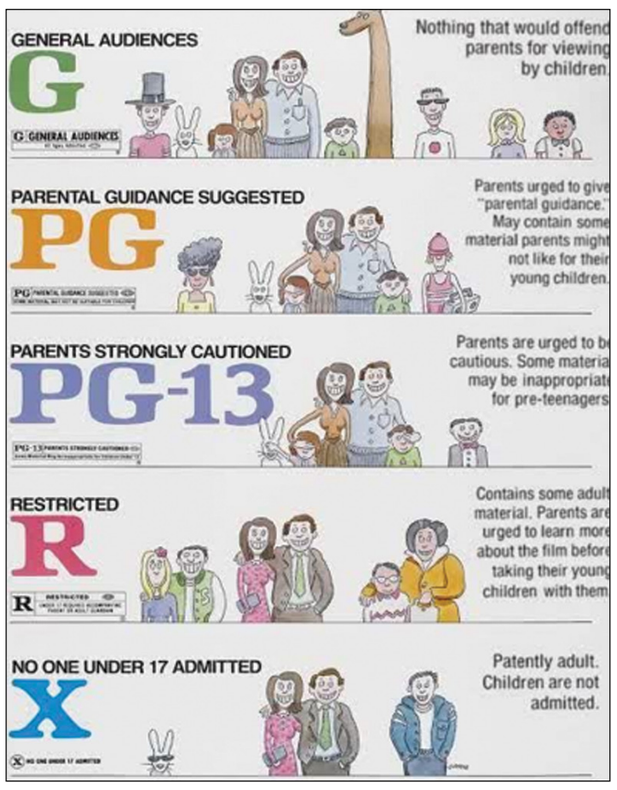

هالیوود علیه ایران

نگاهی به فیلم «تاپ گان: ماوریک»

پنتاگون ۴ سال زودتر با هالیوود به ایران حمله کرد

سعید مستغاثی

بخش هفتم

در روز دوم هفتادوپنجمین جشنواره فیلم کن در ماه می ۲۰۲۲، نخل طلایی به تام کروز و فیلم «تاپ گان: ماوریک» اهدا شد؛ نخل طلایی که با حضور دبیر جشنواره یعنی تی‌یری فرمو و برای نخستین‌بار در تاریخ سینما و جشنواره‌های جهانی، با پرواز ویژه جنگنده‌های فرانسوی بر فراز کاخ جشنواره همراهی شد.

فیلم «تاپ گان: ماوریک»، در واقع قسمت دوم فیلم «تاپ گان» بود که در سال ۱۹۸۶ توسط تونی اسکات ساخته شد و مجدداً داستان یک خلبان نیروی هوائی آمریکا به‌نام پیتر ماوریک میچل (با بازی تام کروز) بود که پس از گذشت ۳۶ سال بازنشسته شده و به تربیت خلبانان جوان ارتش آمریکا اشتغال داشت اما برای یک مأموریت مهم ناگزیر می‌شد که راساً وارد عمل شده و فرماندهی اسکادران‌های جنگنده آمریکایی را برعهده بگیرد.

آن مأموریت، حمله به کشوری در غرب آسیا بود که گویا منافع آمریکا را در آن منطقه به خطر انداخته بود! یعنی درواقع «تاپ گان: ماوریک»، روایتگر یک عملیات تروریستی دولتی و تجاوز آشکار ارتش آمریکا در هزاران مایل دورتر از مرزهای خود به کشوری دیگر محسوب می‌گردید؛ کشوری که مشغول غنی‌سازی اورانیوم بوده و گویا تا سه هفته بعد به بمب اتم دست پیدا می‌کرد!

صورت مسئله خیلی آشنا به نظر می‌رسید! همان جمله معروفی که تا امروز بیش از دو دهه است از سوی کشورهای غربی و به خصوص آمریکا علیه ایران شنیده و می‌شنویم. حالا گروه تاپ گان که ظاهراً از زبده‌ترین و نخبه‌ترین خلبان‌های آمریکا تشکیل شده بایستی به مرکز غنی‌سازی اورانیوم در کشور یاد شده حمله برده و آن را نابود می‌ساخت.

اگرچه مرکز فوق در میان دره‌ای بسیار عمیق قرار داشت که توسط موشک‌های زمین به هوای اس-۱۲۵ پیچورا و نسل پنجم سوخو-۵۷ و البته چند فروند هواپیمای قدیمی اف-۱۴ یا تام‌کت محافظت می‌شد! همین مشخصه نشان می‌داد مقصود از دولت سرکش و کشوری که با غنی‌سازی اورانیوم تا سه هفته دیگر به بمب اتم دست پیدا می‌کرد، کدام کشور بود؟ در واقع وجود هواپیماهای جنگی اف-۱۴ یا تام‌کت در کشور هدف و در فرودگاه نظامی نزدیک به مرکز غنی‌سازی اورانیوم که در طول فیلم چندین‌بار بر وجود آنها تأکید می‌شد و فرار نهائی ماوریک و همکارش پس از گرفتاری در سرزمین هدف نیز توسط یکی از همین اف-۱۴ها امکان‌پذیر شد، تأکیدی بر هویت کشور هدف بود. مطلب پوشیده و پنهانی نیست؛ هواپیماهای جنگی اف-۱۴ به جز ارتش آمریکا، فقط در اختیار ایران قرار داده شد و در آخرین سال‌های رژیم شاه، ۸۰ فروند از این هواپیما به ایران فروخته شد که ۷۹ فروند آن تحویل و یک فروندش برای برنامه‌های بعدی در آمریکا نگهداری شد.

استفاده از همه اجزای فرمول هالیوود

استفاده از بازیگران معروفی همچون تام کروز و ایجاد تعلیق و هیجان به سبک و سیاق فرمول هالیوود و نمایش همان قهرمان تک افتاده آمریکایی که تنها او می‌تواند دنیا را از یک خطر مهیب و عنقریب نجات بخشد، همه و همه فیلم «تاپ گان: ماوریک» را به صورت اثری دیدنی درمی آورد که حرف و پیام خود را از ورای صحنه‌های پرکشش و مملو از تعقیب وگریزهای دلهره‌آور منتقل می‌نماید.

قصه و داستان به گونه‌ای پیش می‌رود که همان قهرمان آشنای ۲۷ سال قبل (استفاده از عناصر ذهنی آشنا برای تماشاگر) حالا در آستانه بازنشستگی، تنها فردی است که می‌تواند با تکیه بر توانایی‌های فردی و شجاعت و بی‌باکی وسترنر آمریکایی یک اسکادران هواپیمای نجات را هدایت کند تا علی‌رغم تمامی دشواری‌ها، ظاهراً محل توطئه برای نابودی جهان و حاکمیت شر را بمباران کنند و جهان را از وجود آن خلاص گردانند.

صحنه‌های اوج درگیری‌های فیلم برای بمباران مکان یاد شده در دل کوه‌های صعب‌العبور و نجات لحظه آخر که تنها در گرو چند ثانیه نهائی است، بهره‌گیری از همان فرمول همیشگی هالیوود به نظر می‌رسد که به قول خودشان، تماشاگر را روی صندلی‌اش میخکوب کنند. اما سازندگان فیلم به همین هم بسنده نکرده و برای نمایش پایانی قهرمان و وسترنر آمریکایی یا همان کابوی، او را برای نجات فرزند رقیب سابقش که در سرزمین دشمن گیر افتاده و راهی برای فرار ندارد دوباره به دل آتش می‌کشانند تا هم دوز هیجان فیلم را بالاتر برده و هم به اصطلاح جوانمردی و لوطی‌گری شخصیت اصلی یعنی ماوریک را به نمایش بگذارد علی‌رغم اینکه همان فرزند رقیب سابقش، او را مسئول مرگ پدرش می‌داند!!

به این ترتیب فیلم «تاپ گان: ماوریک» همه اجزاء فرمول هالیوود اعم از منجی‌گرایی و قهرمان تک افتاده آمریکایی و نجات دقیقه ۹۰ و جوانمردی تاریخی و هیجان و تعلیق و... را ترکیب کرده و یک جا به خورد تماشاگر می‌دهد تا از ورای همه اینها، دشمنی را که با انواع و اقسام لطائف الحیل عَلَم کرده، همچون مترسکی در چشم و چار او فرو کند!!!

صحنه‌سازی جشنواره کن برای یک جنگ جهانی دیگر

در واقع سازندگان فیلم «تاپ گان: ماوریک»، این دشمن را ایران به‌عنوان یک کشور یاغی نشان داده و علناً و رسماً، آن تهدید به عملیات تروریستی کرده، خاکش را مورد تجاوز قرار داده، فرودگاهش را تخریب و به تأسیسات هسته‌ای‌اش حمله می نمایند.

این تهدید تروریستیِ آن‌گاه جدی‌تر به نظر رسید و از یک فیلم صرفاً سینمایی فراتر رفت که دریافتیم اساساً تولید فیلم «تاپ گان: ماوریک» براساس قراردادی بین کمپانی پارامونت و پنتاگون تولید شد و وزارت دفاع آمریکا برای تبلیغات مورد نظرش به نفع اهداف تروریستی و سلطه‌طلبانه علیه ایران، امکان دسترسی سازندگان فیلم را به انبوهی از پیچیده‌ترین و سری‌ترین سلاح‌های ارتش آمریکا فراهم آورد.

مکان‌های فیلمبرداری، برخی از محرمانه‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا و عرشه دو ناو هواپیمابر هسته‌ای «یواس‌اس تئودور روزولت» و «یواس‌اس آبراهام لینکلن» (همین ناوی که در جریان جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه در سواحل جنوب شرقی مقابل مرزهای آبی ایران مستقر گردید) بود که در آنها انبوهی از جدیدترین سلاح‌های تولیدی مستقر هستند و تولیدکنندگان فیلم اجازه یافتند ده‌ها دوربین را روی هواپیماهای جنگی اف-۱۸ و همچنین نقاط مختلف پایگاه‌ها و ناوهای هواپیمابر نصب کنند.

افتتاحیه فیلم در آمریکا بر عرشه ناو هواپیمابر یواس‌اس میدوی انجام گرفت و تام کروز با یک بالگرد نظامی در این مراسم حضور پیدا نمود. اما افتتاحیه بین‌المللی فیلم در جشنواره فیلم کن بود که ابتدا در میان شگفتی همگان، عوامل فیلم بر روی فرش قرمز جشنواره، مورد استقبال یک اسکادران هواپیماهای جنگی ارتش فرانسه قرار گرفتند، سپس حضور ویلیام (که پادشاه آینده انگلیس به حساب می‌آید) و همسرش کیت میدلتون، به‌طور کلی مراسم جشنواره کن برای فیلم «تاپ گان: ماوریک» را از یک مراسم سینمایی خارج ساخته و آن را نه تنها به یک مراسم سیاسی بلکه به یک مانور نظامی برای حمایت از فیلمی درباره عملیات تروریستی علیه ایران تبدیل نمود.

در اوج مراسم نیز تیه‌ری فرمو (دبیر جشنواره کن) با اهدای نخل طلای این جشنواره (بالاترین و مهم‌ترین جایزه جشنواره کن) در واقع کل این فستیوال سینمایی را در خدمت همان اهداف تروریستی و مانور نظامی سه کشور اصلی ناتو یعنی آمریکا، فرانسه و انگلیس قرار داد که هر کدام با یک نماد در این مانور نظامی تروریستی شرکت کرده بودند!

ژان لوک گدار، فیلمساز مشهور موج نوی سینمای فرانسه این صحنه‌گردانی نظامی-تروریستی در جشنواره کن ۲۰۲۲ را چنین تشریح کرد: «... با صحنه‌سازی جشنواره کن از احتمال وقوع یک جنگ جهانی دیگر و خطر یک فاجعه دیگر، متوجه شدیم فستیوال کن یک ابزار تبلیغاتی است، مانند هر ابزار دیگر... آنها (جشنواره فیلم کن) زیبایی‌شناسی غربی را تبلیغ می‌کنند. حالا تصور کنید که در جشنواره از جنگ به‌عنوان ابزار زیبایی‌شناسی استفاده می‌شود و سهامداران آن هم کشورهای درگیر، یا بهتر بگوییم صاحب «منفعت» هستند و برنامه‌هایی را پخش می‌کنند که همه ما تماشاگران آن هستیم...»

تاپ گان ماوریک آمد ولی مفتضح شد!

یعنی آمریکا و پنتاگون ۴ سال پیش از تجاوز نظامی در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ توسط هالیوود و آثاری مانند «تاپ گان: ماوریک» به ایران تجاوز نظامی کرده و در واقع اذهان و افکار عمومی را برای چنین تجاوزی آماده ساخته بودند.

بمباران ناموفق تأسیسات هسته‌ای ایران در اوایل تیرماه ۱۴۰۴ (که ترامپ ادعا نمود این تأسیسات را نابود کرده ولی مجدداً خودش و دیگران بارها معترف شدند که همچنان تأسیسات نامبرده و ذخائر هسته‌ای ایران سر جای خودش است) و حمله نظامی دیگر برای دستیابی به مواد و ذخایر هسته‌ای در اسفند ۱۴۰۴ که به شکست مفتضحانه و در واقع طبس دیگری برای نیرو